

نیض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوک



بی محلی بازارها و مردم به ضرب الاجل ترامپ

مردم و ایجاد صف یا کمبود کالا نبودیم. همین همراهی مردم در عدم خریدهای هیجانی و اعتماد به مدیریت مسئولان در تنظیم بازارها، یکی از علل شکست راهبردهای آمریکا و اسرائیل در این جنگ محسوب می شود.

آرامی را سپری کردند و مردم هم برخلاف سایر کشورها در شرایط جنگی، همچون ۴۰ روز اخیر خریدهای معمولی و روزمره خود را انجام می دادند. تقریباً در هیچ منطقه از کشور و در هیچ بازار و صنفی، شاهد خریدهای هیجانی

روز سه شنبه در حالی که دونالد ترامپ رئیس جمهور جنایتکار آمریکا تهدید کرده بود آخرین مهلت به ایران است و مدعی شده بود می خواهد زیرساخت های حیاتی ایران را بمباران کند، بازارهای مختلف کشورمان روز





پترو دلار در مسیر افول

🔗 طی دهه‌های گذشته دلار آمریکا نه تنها یک واحد پولی، بلکه ستون اصلی تجارت جهانی به‌ویژه در بازار انرژی بوده است. نظامی که با عنوان «پترو دلار» شناخته می‌شود.

ساختاری را شکل داد که در آن بخش عمده تجارت نفت جهان با دلار انجام می‌گیرد و همین مسئله تقاضای دائمی برای این ارز ایجاد کرده است. با این حال تحولات ژئوپلیتیکی، افزایش رقابت قدرت‌های اقتصادی و تلاش کشورها برای کاهش وابستگی به دلار، بار دیگر بحث پایان هژمونی پترو دلار را در محافل اقتصادی و سیاسی جهان داغ کرده است.

از استاندارد طلا تا سلطه دلار

پس از جنگ جهانی دوم و شکل‌گیری نظام «برتون وودز» در سال ۱۹۴۴، دلار آمریکا به محور نظام پولی جهان تبدیل شد. بر اساس این توافق، ارزش دلار به طلا خورد و سایر ارزها نیز به دلار متصل شدند. آمریکا تعهد داده بود که هر ۳۵ دلار را با یک اونس طلا تبدیل کند و به همین دلیل دلار عملاً نقش نماینده طلا در اقتصاد جهانی را ایفا می‌کرد.

اما در دهه ۱۹۶۰ با افزایش هزینه‌های جنگ و گسترش سیاست‌های مالی آمریکا، حجم دلار در گردش بسیار بیشتر از ذخایر طلای این کشور شد. در سال ۱۹۷۱ ریچارد نیکسون رئیس‌جمهور وقت آمریکا به‌طور یک‌جانبه تبدیل‌پذیری دلار به طلا را متوقف کرد؛ اقدامی که عملاً پایان استاندارد طلا و آغاز دوره پول بدون پشتوانه بود. بسیاری از اقتصاددانان این تصمیم را نقطه آغاز نظام مالی مبتنی بر بردهی در جهان می‌دانند.

نولد پترو دلار و بیوند نفت با دلار

پس از کنار گذاشتن پشتوانه طلا، آمریکا برای حفظ تقاضای جهانی برای دلار به سازوکاری جدید نیاز داشت. در دهه ۱۹۷۰ توافق‌هایی میان واشنگتن و برخی کشورهای بزرگ صادرکننده نفت به‌ویژه عربستان سعودی شکل گرفت که بر اساس آن نفت در بازار جهانی با دلار قیمت‌گذاری و معامله‌شود.

این سازوکار باعث شد هر کشوری که قصد خرید نفت دارد، ناچار باشد ابتدا دلار تهیه کند. به این ترتیب انرژی که مهم‌ترین کالای استراتژیک جهان محسوب می‌شود، به موتور تقاضا برای دلار تبدیل شد و نظام پترو دلار شکل گرفت؛ نظامی که طی نیم‌قرن گذشته ستون اصلی قدرت مالی آمریکا بوده است.

اقتصاد بدهی و صدور تورم به جهان

با تثبیت جایگاه دلار در تجارت انرژی، ایالات متحده توانست حجم عظیمی از بدهی و نقدینگی ایجاد کند، بدون آنکه تقاضا برای ارز خود را از دست بدهد. در واقع کشورها برای انجام تجارت جهانی، ذخایر دلاری نگهداری می‌کنند و بخش بزرگی از این منابع دوباره به بازارهای مالی آمریکا بازمی‌گردد.

منتقدان این ساختار معتقدند این وضعیت به وابستگی اجازه داده است با چاپ پول و انتشار اوراق بدهی، هزینه‌های اقتصادی و مالی خود را به‌طور غیرمستقیم به سایر کشورها منتقل کند. در دوره‌های مختلف نیز سیاست‌های پولی آمریکا، از جمله افزایش شدید نقدینگی، به شکل تورم جهانی یا نوسانات ارزی در اقتصادهای دیگر کشورها منعکس شده است.

تأش قدرت‌های نوظهور برای کاهش وابستگی به دلار

در سال‌های اخیر نشانه‌های فرایند‌های از تلاش کشورها برای کاهش وابستگی به دلار در تجارت بین‌المللی دیده می‌شود. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده انرژی جهان، به دنبال گسترش استفاده از «یوان» در معاملات نفتی است. روسیه نیز پس از تحریم‌های گسترده غرب، بخش قابل توجهی از تجارت انرژی خود را با ارزهای غیر دلاری انجام می‌دهد.

در همین راستا، همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای عضو گروه بریکس (BRICS) نیز به سمت ایجاد سازوکارهای مالی مستقل از نظام مالی غرب حرکت کرده است. افزایش مبادلات با ارزهای ملی، توسعه سامانه‌های پرداخت جایگزین و طرح‌هایی برای ایجاد واحدهای تسویه جدید، از جمله اقداماتی است که در این چارچوب مطرح شده است.

نقش ایران در معادلات جدید انرژی

ایران به‌عنوان یکی از دارندگان بزرگ ذخایر نفت و گاز جهان نیز در سال‌های اخیر تلاش کرده است سازوکارهای جدیدی برای تجارت انرژی خارج از چارچوب دلار دنبال کند. از جمله مباحث مطرح در این حوزه، دریافت عوارض یا انجام برخی مبادلات انرژی با ارزهای جایگزین و همچنین گسترش همکاری‌های مالی با کشورهای آسیایی است.

برخی تحلیلگران معتقدند در صورت گسترش چنین روند‌هایی در منطقه خلیج فارس و مسیرهای حیاتی انرژی مانند تنگه هرمز، ساختار سنتی بازار نفت طی طی دهه‌ها بر مبنای دلار شکل گرفته است با چالش‌های جدی تری روبه‌رو خواهد شد.

آینده پترو دلار در سایه نظم چندقطبی

با وجود تمام این تحولات، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که پایان سلطه دلار یکی روند تدریجی خواهد بود نه یک تغییر ناگهانی. دلار همچنان بزرگ‌ترین سهم را در ذخایر ارزی جهان و مبادلات مالی بین‌المللی دارد و بازارهای مالی آمریکا نیز از عمیق‌ترین و نقدشونده‌ترین بازارهای جهان محسوب می‌شوند. با این حال روند کلی اقتصاد جهانی نشان می‌دهد که نظام مالی بین‌المللی به تدریج در حال حرکت به سمت ساختاری چندقطبی است؛ ساختاری که در آن ارزهای مختلف سهم بیشتری در تجارت جهانی خواهند داشت. در چنین شرایطی، بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند با کاهش وابستگی به یک ارز واحد، آسیب‌پذیری خود در برابر فشارهای اقتصادی و سیاسی را کاهش دهند.

تحولاتی که در بازار انرژی، نظام‌های پرداخت و همکاری‌های اقتصادی میان قدرت‌های نوظهور در حال شکل‌گیری است، نشان می‌دهد که آینده تجارت جهانی احتمالاً متکی بر شبکه‌های متنوع‌تر از ارزها خواهد بود؛ روندی که می‌تواند به تدریج جایگاه تاریخی پترو دلار را با چالش مواجه کند.

نیض اقتصاد رادردست بگیرید

بهارسوت

Charsoogh newspaper

■ چهارشنبه ۱۹ فروردین ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۳۰



آرامش بازارها و مردم در اوج تهدیدات ترامپ

گزارش

🔗 روز سه‌شنبه در حالی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور جناپتاکر آمریکا تهدید کرده بود آخرین مهلت به ایران است و مدعی شده بودمی خواهد زیرساخت‌های حیاتی ایران را بمباران کند، بازارهای مختلف کشورها روز آرامی را سپری کردند و مردم هم برخلاف سایر کشورها در شرایط جنگی، همچون ۴۰ روز اخیر خریدهای معمولی و روزمره خود را انجام می‌دادند. تقریباً در هیچ منطقه‌از کشور و در هیچ بازار و صفتی، شاهد خریدهای هیجانی مردم و ایجاد صف یا کمبود کالا نبودیم. همین همراهی مردم در عدم خریدهای هیجانی و اعتماد به مدیریت مسئولان در تنظیم بازارها، یکی از علل شکست راهبردهای آمریکا و اسرائیل در این جنگ محسوب می‌شود.

فعالیت روزمره کسبه و مردم در بازار تهران

بازار بزرگ تهران که در روزهای ابتدایی جنگ و هم‌زمان با تعطیلات نوروزی دچار رکود شده بود، حالا دوباره نشانه‌هایی از بازگشت زندگی اقتصادی را بروز می‌دهد؛ شلوغی مترو یا پانزده خرداد، بازار بون پیشتر مغازه‌ها و رفت‌وآمد خریداران حکایت از آن دارد که نبض تجارت

خرد در قلب پایتخت بار دیگر به حرکت افتاده است.

هم‌زمان با حمله آمریکا و اسرائیل به خاک کشورمان، بخشی از فعالیت بازار بزرگ تهران به کما رفت. اغلب کسبه در روزهای ابتدایی جنگ تمام‌توان خود را معطوف به خارج کردن کالاها و ارسال بار به مشتریان در استان‌های دیگر کردند.

البته در شب عید با وجود تمام تهدیدات و احتمال حملاتی که وجود داشت، بازار پانزده خرداد میزبان مشتریان پایتخت‌نشین بود اما به شدت سال‌های گذشته رونق نداشت. از پنجم فروردین با وجود پایان تعطیلات نوروز اما باز هم بازار به روزهای اوج خود بازنگشت. اما حالا بعد از گذشت بیش از یک‌ماه جنگ و پایان نیمه دوم تعطیلات نوروز، شاهد احیای دوباره بازار بزرگ هستیم. شلوغی ایستگاه متروی پانزده خرداد خودمؤید آن است که بازار از زخوت خارج شده است.

نیض اقتصاد در بازار تهران ادامه دارد

طبق مشاهدات میدانی در راسته‌های مختلف بازار، کسبه مشغول فعالیت روزمره خود بودند و مغازه‌ها باز بودند. صدای گفت‌وگوی فروشندگان با مشتریان، رفت‌وآمد خریداران در راهروهای باریک

بازار و حضور باربرهایی که کالاها را جابه‌جا می‌کردند، تصویری از تلاوم جریان زندگی اقتصادی در قلب تهران ارائه می‌داد.

در میان جمعیت نیز شهروندانی دیده‌می‌شدند که برای خرید مایحتاج



باصرفا برای گشت‌وگذار در بازار حضور

داشتند. کسبه تلاش می‌کنند فعالیت خود را با شرایط جدید تطبیق دهند

و مشتریان نیز با آرامش بیشتری در حال خرید هستند.

هرچند نگرانی‌ها دربارۀ وضعیت اقتصادی وجود دارد اما فعالیت بازار همچنان ادامه دارد و مردم خریدهای روزمره خود را انجام می‌دهند. فضای بازار، با همه هیاهو و رفت‌وآمدهایش، نشان می‌داد که چرخه تجارت خرد رونق گرفته است. در واقع افزایش رفت‌وآمد خریداران، بار بودن اکثر مغازه‌ها و آزرس‌گیری فعالیت‌های روزمره کسبه حاکی از آن است که بازار در حال بازگشت به روال معمول خود است.

بازار بزرگ تهران به‌سه عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مراکز تجاری کشور در طول دهه‌های گذشته بارها با

خانه برگزار می‌شود تا چالش‌های موجود در زمینه

تولید در شرایط جنگی در کمترین زمان برطرف شود.

رئیس خانه صمت گفت: در این میان واحدهای تولیدی و فعالان تولیدی نیز خواسته‌های خود را در شرایط فعلی مطرح کردند و خوشبختانه با پیگیری

وزارت صمت در حال بررسی است. سهیل‌آبادی افزود: علاوه بر این در شرایط امروز

پیگیری‌های زیادی در زمینه کارگری و کارفرمایی انجام شده که هم از طریق خانه صمت، معدن و

تجارت و هم از طریق کانون کارگری کشور نامه‌های

ظرفیت‌های داخلی، باعث شده تا شوک‌های ناگهانی، اثرگذاری کمتری بر کل زنجیره داشته باشند.

سوم، نقش نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی در این صنعت است. در شرایطی که بخشی از زیرساخت‌ها آسیب‌دیده، استمرار فعالیت کارگران و مهندسان در

خطوط تولید، نشان‌دهنده نوعی «پایداری عملیاتی» است که صرفاً با شاخص‌های اقتصادی قابل اندازه‌گیری نیست.

بازارایی زنجیره تأمین؛ از وابستگی به خوداتکایی

یکی از پیامدهای مهم حملات اخیر، تسریع در روند

بازارایی زنجیره تأمین در صنعت فولاد است. در شرایط عادی، بخشی از مواد اولیه، تجهیزات و فناوری‌های مورد نیاز این صنعت، از طریق تعامل با بازارهای خارجی تأمین می‌شود اما فشارهای ناشی از تحریم و اکنون حملات فیزیکی، این معادله را تغییر داده است.

نشانه‌ها حاکی از آن است که شرکت‌های فولادی، به سرعت در حال بازتعریف الگوی تأمین خود هستند. این بازتعریف شامل افزایش استفاده از منابع داخلی، توسعه همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان و سرمایه‌گذاری در تولید قطعات و تجهیزات استراتژیک در داخل کشور است.

این روند، اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است با افزایش

شرایط دشوار اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو شده اما همواره توانسته

فعالیت خود را حفظ کند. تلاوم فعالیت این مجموعه، حتی در

شرایط دشوار، نشانه‌ای از تاب‌آوری اقتصاد خرد در کشور است.

اکنون نیز با بازگشت تدریجی رفت‌وآمدها و فعال‌تر شدن راسته‌های مختلف، به‌نظرمی‌رسد نیض اقتصاد در بازار تهران بار دیگر باربتیمی

آشناتر در حال تبیدن است.

بازگشایی این بازارها در سراسر کشور صعودی شد

رئیس اتاق اصناف با بیان اینکه بازگشایی بازارها در کشور روند صعودی دارد گفت که میزان فعالیت بازار تهران از ۷۰ درصد در ابتدای هفته به ۸۵ درصد در میانه هفته افزایش یافته است.

قاسم نوده فراهانی، رئیس اتاق اصناف ایران درباره وضعیت بازارهای تهران، اظهار کرد: در پایتخت روند بازگشایی صعودی بوده است؛ به‌طوری‌که میزان فعالیت بازار تهران از ۷۰ درصد در ابتدای هفته به ۸۵ درصد در میانه هفته افزایش یافته است؛ البته تمامی واحدهای صفتی، به‌ویژه بخش‌های ارائه‌دهنده خدمات عمومی، بهداشتی و درمانی که با معیشت مستقیم مردم در ارتباط هستند، طبق روال گذشته در محل کار خود حاضر بوده و به ارائه خدمت می‌پردازند.

نوده فراهانی با اشاره به شرایط خاص بازار طلا، درباره فعالیت این بازار گفت: بازار طلا به‌عنوان یکی از کانون‌های استراتژیک اقتصادی، در روز نخست هفته جاری با مشارکت ۱۵ درصدی فعالیت خود را آغاز کرد و پیش‌بینی می‌شود این آمار به ۲۵ تا ۳۰ درصد برسد؛ با این حال، به‌دلیل عدم اعلام نرخ رسمی، کسبه این صنف فعلاً فقط با حضور در محل کار، اعلام‌آمادگی کرده‌اند و انتظاری روی طوقی روزهای آتی با مشخص‌شدن وضعیت قیمت‌ها، فعالیت این بازار نیز به روال عادی بازگردد.

رئیس اتاق اصناف با تأکید بر تساب‌آوری اقتصاد ایران و بازارها در مقابل شوک جنگ، گفت: تجربه تاریخی ملت ایران نشان داده است که فعالیت‌های اقتصادی و تجاری

مسیر خود را مستقل از شرایط

نظامی طی می‌کنند. ما مسابقه ۸

سال دفاع مقدس و بحران‌های مشابه را در کارنامه داریم و مردم

همواره با ایستادگی در سنگر تولید و کسب‌وکار، اجازه نداده‌اند چرخ

اقتصاد کشور متوقف شود. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر

نیز مسئولان مربوطه وظایف خود

را انجام می‌دهند و درصدد رفع

مشکلات هستند، گفت: اصناف به‌عنوان گسترده‌ترین بخش

خصوصی کشور، با همکاری دولت با قدرت به فعالیت خود ادامه خواهند

داد. همواره تأکید اصلی ما بر حفظ حقوق مصرف‌کنندگان و تکریم مردم

است و در جنگ تحمیلی رمضان نیز

از تمامی همکاران و مسئولان تقاضا

دارم که اولویت نخست خود را رضایت مردم قرار دهند. امیدوارم با تکیه بر

همدلی و همراهی ملی، ثبات و رونق

به فضای کسب‌وکار بازگردد.

🔗

تولیدکنندگان پای کار هستند تا چرخ تولید کشور متوقف نشود

متعددی به سازمان بین‌المللی کار ارسال شده و در ارتباط با خسارات و تلفات انسانی در بخش کارگری

به جامعه جهانی اطلاع‌رسانی شده است.

وی ادامه داد: همچنین در ارتباط با واحدهایی که در

جنگ فعلی آسیب دیده‌اند، از روز نخست جلسات متعددی برگزار کردیم تا واحدهایی که آسیب دیده‌اند،

کارشناسی شوند و تا امروز تمام این فرآیندها برای

مالکان واحدهای تولیدی بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای

کارشناسی شده است. همچنین پیگیری‌های جدیدی

در رابطه با آسیب‌های وارده به واحدهای تولیدکننده

فولادی که در روزهای اخیر مورد حمله دشمن واقع

شدند صورت گرفته تا بتوانیم در زمان کوتاه‌تری

واحدهای پایین‌دستی این واحدهای بزرگ صنعتی

را ساپا بگانه‌داشت و با کمبود کمتری روبرو باشیم.

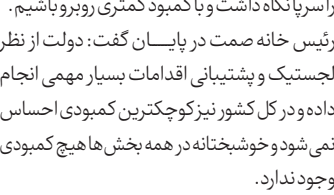
رئیس خانه صمت در پایان گفت: دولت از نظر

لجستیک و پشتیبانی اقدامات بسیار مهمی انجام

داده و در کل کشور نیز جدچکترین کمبودی احساس

نمی‌شود و خوشبختانه در همه بخش‌ها هیچ کمبودی

وجود ندارد.



چرا سناریوی «فلج اقتصادی» علیه ایران در صنعت فولاد شکست خورد؟

هزینه‌ها هرماه باشد اما در میان‌مدت می‌تواند به کاهش وابستگی و افزایش امنیت اقتصادی منجر شود. به بیان دیگر، آنچه در ابتدا به‌عنوان یک تهدید مطرح شد، در حال تبدیل شدن به فرصتی برای تقویت زیرساخت‌های داخلی است.

شکست در اقتصاد ادراکی؛ وقتی روایت‌ها تغییر می‌کنند

بلکه در «اقتصاد ادراکی» رخ می‌دهد؛ جایی که انتظارات،

نگرانی‌ها و برداشت‌های عمومی، نقش تعیین‌کننده‌ای

در شکل‌گیری رفتارهای اقتصادی دارند. یکی از اهداف اصلی حملات اخیر، ایجاد حس نااطمینانی و بی‌ثباتی

در میان فعالان اقتصادی و مردم بوده است. در چنین فضایی، حتی اگر اختلال واقعی در تولید

محدود باشد، می‌تواند از طریق انتظارات تورمی و رفتارهای احتیاطی، اثرات گسترده‌تری ایجاد کند.

اما آنچه در عمل مشاهده می‌شود، نشان می‌دهد

که این هدف نیز به‌طور کامل محقق نشده است. ادامه فعالیت‌های اقتصادی، انتشار اخبار مربوط به بازسازی

سریع و تأکید بر تلاوم تولید، تا حد زیادی توانسته از

شکل‌گیری یک موج گسترده از نگرانی جلوگیری کند. این موضوع، به‌ویژه در بازارهایی که به شدت تحت تأثیر

انتظارات هستند، اهمیت بالایی دارد.



تنگه هرمز فشار سنگینی بر استراتژی‌های ترامپ وارد کرد

گزارش

ایرانی به گستره خاورمیانه، تهران از سلاح ژئوپولیتیکی ویژه تنگه هرمز در حال استفاده است. هم‌زمان، گاف محاسباتی طرف مقابل این بود که می‌تواند ماجرای «کاراکاس» را در ایران تکرار کند.

وی افزود: اشتباه استراتژیک ترامپ این بود که فکری کرد «تنگه هرمز» که یوله انتقال نفت ساده است که می‌توان با چند ناو هواپیمابر از آن حراست کرد. رئالیسم تهاجمی به ما می‌گوید قدرت، نمایش ناو نیست، بلکه تغییر محاسبات حریف است. همان طور که اتلانتیک اشاره می‌کند، ترامپ درک نمی‌کند که بازارها جهانی هستند. او با نگاهی متعلق به قرن نوزدهم، وارد جنگی در قرن بیست و یکم شد. ترامپ تصور می‌کرد که می‌تواند خاورمیانه را به آتش یکشد ولی بنزین را در داخل آمریکا ارزان نگه دارد. رویبو و دولتیان واشنگتن در یک توهم بازاندگی ارزان غرق شده بودند. آن‌ها فکری می‌کردند ایران از ترس تحریم، دست به ماشه نمی‌برد. اما غافلگیر شدند؛ چون تهران ثابت کرد که وقتی پای «بقای ملی» در میان باشد، جعبه یاندورای هرمز را باز می‌کند. نفت ۲۰۰ دلاری، یعنی فروپاشی اولین وعده انتخاباتی ترامپ به طبقه کارگر آمریکا یعنی «بنزین ارزان». ترامپ حالا می‌فهمد که امنیت انرژی جهان، گروگان یک اشتباه محاسباتی در اتاق وضعیت اوست.

این کارشناس ارشد بین‌الملل در پاسخ به این که در گزارش اتلانتیک به نقش سکوت معنادار روسیه اشاره شده، شما به عنوان کسی که تحولات مسکورا دقیق رصد می‌کنید، این سکوت را چطور تحلیل می‌کنید؟ آیا پوتین از جنگ ایران و آمریکا سود اقتصادی می‌برد؟ گفت: قطعاً، در منطق شطرنج قدرت، سکوت پوتین، بلندترین فریاد حمایت از انسداد هرمز است. برای کرملین، نفت ۲۰۰ دلاری یعنی بی‌اثر شدن همه تحریم‌های غرب علیه جنگ اوکراین. پوتین دارد با کارت ایران، کمر اقتصاد اروپا را می‌شکند، بدون این که یک گلوله شلیک کند. واشنگتن انتظار داشت مسکو میناجی‌گری کند اما روسیه می‌داند که هرچه آمریکا در خلیج فارس بیشتر درگیر شود، تمرکزش بر شرق اروپا کمتر می‌شود. این همان سینرژی رئالیستی میان تهران و مسکو است؛ یکی تنگه را می‌بندد و دیگری چتر سیاسی می‌گستراند تا دل‌های نفتی به جای تکرزاس، به سمت خزانه مسکو سرازیر

سوی دیگر، دموکرات‌ها برای انتخابات میان‌دوره‌ای در نوامبر، تنگ‌هایشان را پر کرده‌اند.

ودایع در پاسخ به این سؤال که ایران در این نبرد نفتی چه برگ برنده‌ای دارد که تا الان رونکرده است؟ گفت: برگ برنده ایران، پیش‌بینی ناپذیری عقلانی است. ایران نشان داد که هرمز را فیزیکی نمی‌بندد، بلکه آن را غیرقابل بیمه می‌کند. وقتی شرکت‌های بیمه تردد در خلیج فارس را متوقف کنند، هرمز عملاً بسته شده است، بدون این که حتی یک کشتی غرق شود. این همان پارادوکس بقا است که من بارها به آن اشاره کرده‌ام. ایران به نقطه‌ای رسیده که هزینه ننجکیدن برایش بیشتر از هزینه جنگ محدود است. ترامپ اگر باهوش باشد، به جای گوش دادن به لابی‌های جنگ طلب، باید به صدای موتورهای خاموش صنایع آمریکا گوش کند که زیر بار قیمت نفت در حال سکنه هستند. نکته‌ای که طرف مقابل هنوز هم درک نکرده، این است که تهران همچنان مبتنی بر موازنه وحشت رفتار می‌کند. یک حساب و کتاب ساده از آن چه که امروز درواکنش بازارهای جهانی مشاهده می‌کنیم با ضریب آتش هرمز به منزله سهمگین‌ترین ضربه به اقتصاد جهانی و هزینه سنگین برای بازارهای آمریکایی خواهد بود.

وی ادامه داد: به نظرم در نهایت ممکن است آمریکایی‌ها به سمت عملیات محدود زمینی علیه دو هدف خاص در خاک و نظنز اقدام کنند اما همچنان یک فاصله‌گذاری ویژه را دنبال می‌کنند تا از تحمّل هزینه سنگینی جنگ فرسایشی دوری کنند. ترامپ می‌خواهد همانطور که در اعلام جنگ دنبال غافلگیری بود، در اعلام پایان جنگ و ادعای پیروزی هم غافل‌گیری کند.

اشتباه استراتژیک ترامپ این بود که فکری کرد (تنگه هرمز) یک لوله انتقال نفت ساده است که می‌توان با چند ناو هواپیمابر از آن حراست کرد. رئالیسم تهاجمی به ما می‌گوید قدرت، نمایش ناو نیست، بلکه تغییر محاسبات حریف است. همان طور که اتلانتیک اشاره می‌کند، ترامپ درک نمی‌کند که بازارها جهانی هستند

اخبار



بحران کود در آمریکا؛ از شوک قیمت تا آشفتنگی در مزارع

با آغاز حمله آمریکا به ایران، تولید و ورود کود به آمریکا به شدت کاهش پیدا کرده است.

آغاز تجاوز نظامی آمریکا به ایران منجر به شکل‌گیری وضعیت هشدار دهنده‌ای را در کشاورزی آمریکا شده است. بسته شدن تنگه هرمز به دنبال تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل به ایران در اواخر فوریه ۲۰۲۴، تنها قیمت انرژی را افزایش نداد، بلکه زنجیره تأمین حیاتی کود را نیز با بحران بی‌سابقه‌ای مواجه کرد.

اختلالی بی‌سابقه در زنجیره تأمین

این بحران ریشه در ساختار تجارت جهانی دارد. خاورمیانه تأمین‌کننده نزدیک به ۴۹ درصد صادرات اوره جهان (نوعی کود نیتروژنه حیاتی) و ۳۰ درصد آمونیاک است که همگی از تنگه هرمز عبور می‌کنند.

قیمت اوره در آمریکا و نیواورلئان طرف تنها یک هفته بیش از ۳۰ درصد افزایش یافت و از ۵۱۶ دلار به ۶۸۳ دلار در هرتن رسید و در برخی مناطق خرده‌فروشی ۸۰۰ دلار نیز گزارش شده است.

عدم ذخیره کود در آمریکا

انجمن کود آمریکا هشدار داده که ایالات متحده با کمبود حدود ۲۵ درصدی کود مورد نیاز فصل کاشت مواجه است و برخلاف نفت، هیچ ذخیره استراتژیکی برای کود وجود ندارد.

تغییر الگوی کشت و فشار بی‌سابقه

کشاورزان آمریکایی که از قبل با چهار سال سوددهی منفی دست و پنجه نرم می‌کردند، اکنون در آستانه فصل کشت با ممعایی دشوار روبرو شده‌اند.

ذرت به شدت به نیتروژن وابسته است، در حالی که سویا به لطف همزیستی با باکتری‌ها می‌تواند نیتروژن مورد نیاز خود را از هوا تأمین کند. به همین دلیل، پیش‌بینی می‌شود سطح زیر کشت ذرت در آمریکا ۱/۵ میلیون هکتار کاهش یابد و به همان نسبت به سطح زیر کشت سویا افزوده شود.

وزارت کشاورزی آمریکا تخمین می‌زند که هزینه کاشت ذرت به ۹۱۷ دلار در هر هکتار رسیده که یک سوم آن مربوط به کود است. با قیمت فعلی ذرت، کشاورزان قبل از این بحران نیز با ضرر ۱۵۰ دلاری در هر هکتار مواجه بودند.

از تنگه هرمز تا قیمت مواد غذایی

کارشناسان هشدار می‌دهند که این بحران تنها به مزارع ختم نمی‌شود و اثرات آن به صورت زنجیره‌ای به قیمت مواد غذایی در سراسر جهان منتقل خواهد شد.

به واسطه کاهش تردد در تنگه هرمز ۳۴ درصد از اوره جهان که از کشورهای

حاشیه خلیج فارس صادر می‌شود حالا متوقف شده است و آمریکا نمی‌تواند در برابر این شوک‌ها مقاومت کند.

همچنین کاهش سطح زیر کشت محصولات پرمصرف و افت عملکرد ناشی از کمبود کود، عرضه جهانی را محدود کرده و تحلیل‌گران پیش‌بینی می‌کنند که قیمت نان، ذرت و روغن در ماه‌های آینده افزایش چشمگیری پیدا کند.

چرا قیمت‌ها در آمریکا حتی از جهان هم گران‌تر شد؟

یک پارادوکس عجیب در بازار کود ایجاد شده است. قیمت اوره در بندر نیواورلئان تقریباً ۱۱۹ دلار از میانگین جهانی کمتر است. این اختلاف قیمت، یک پدیده خطرناک به نام "اثر مکش" (Suction Effect) ایجاد کرده است.

تاجران بین‌المللی ترجیح می‌دهند محموله‌های خود را به بازارهای گران‌تری مثل برزیل یا اروپا بفرستند. در نتیجه حتی همان مقدار محدود کودی که به آمریکا می‌رسد نیز ممکن است برای سود بیشتر، دوباره صادر شود. این مکانیسم، کمیابی را در بازار داخلی آمریکا تشدید می‌کند.

کمبود کود فیزیکی در آمریکا

گزارش‌ها نشان می‌دهد که آمریکا در شرایطی وارد فصل کاشت می‌شود که نه تنها با افزایش قیمت، بلکه با پدیده "کمبود فیزیکی" کود مواجه است. این بحران که ریشه در حمله به ایران دارد، عملاً مسیر تجارت جهانی غلات را تغییر خواهد داد و فشار تورمی جدیدی را به اقتصاد جهانی و سفره مردم وارد می‌کند. کارشناسان معتقدند حتی با فرض بازگشایی فوری تنگه، زمان از دست رفته برای نهاده‌های کشاورزی این فصل قابل جبران نیست و بخشی از کاهش تولید در سال ۲۰۲۴ قطعی شده است.

هشدار صندوق بین‌المللی پول درباره عواقب خطرناک ادامه جنگ علیه ایران

ملل متحد در تحلیلی اعلام کرد «مسیری که با یک اختلال در یک گذرگاه کلیدی انرژی آغاز شد، اکنون سراسر اقتصاد جهانی را تحت تأثیر قرار داده است.»

طبق این تحلیل، موضوع فقط انرژی نیست بلکه برای نمونه به کالاهای دیگری هم مربوط می‌شود که برای تولید کود و بسیاری موارد دیگر لازم هستند و از این منطقه عبور می‌کردند، اما اکنون این اتفاق رخ نمی‌دهد.

تجاوز نظامی مشترک آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران که در پی آن حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند، از نهم اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۴) در حالی که مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا با میانجیگری برخی کشورهای منطقه در حال انجام بود، آغاز شد.

جمهوری اسلامی ایران نیز در چارچوب حق دفاع مشروع خود، مواضع نظامی و امنیتی اسرائیل در شهرهای مختلف فلسطین اشغالی و همچنین پایگاه‌ها و مراکز استقرار نیروهای آمریکایی را در منطقه، هدف حملات موشکی، پهبادی و هوایی قرار داده است.



این رسانه آمریکایی در مورد اهمیت و تأثیر بحران جهانی انرژی ناشی از جنگ علیه ایران تصریح کرد: بازاری تجارت و توسعه سازمان

باز شود، بحران انرژی در جهان به اندازه‌ای طولانی شده که تأثیرات منفی عمیق آن تا مدت‌ها در سراسر جهان احساس شود.

پایگاه خبری-تحلیلی «آکسیوس» پیش‌تر در گزارشی اذعان کرده بود که حتی اگر جنگ با ایران همین حالا پایان یابد و تنگه هرمز دوباره

”

رئیس صندوق بین‌المللی پول درباره عواقب خطرناک ادامه جنگ علیه ایران هشدار داد.

رئیس صندوق بین‌المللی پول در اظهاراتی با بیان اینکه درگیری‌ها در خاورمیانه بدترین اختلال در عرضه انرژی جهانی را ایجاد کرده است، تأکید کرد: تداوم این جنگ منجر به تورم بیشتر و کاهش رشد اقتصادی خواهد شد. کریستالینا جورجیوا با بیان اینکه میلیون‌ها بشکه نفت به دلیل انسداد تنگه هرمز متوقف شده است، گفت که حتی اگر جنگ همین امروز متوقف شود، تأثیر منفی طولانی‌مدتی بر اقتصاد سایر نقاط جهان خواهد داشت.

وی با اشاره به اینکه برنامه جهانی غذا در اواسط ماه مارس (اواخر اسفند ۱۴۰۴) اعلام کرده بود که اگر جنگ تا ژوئن (خرداد-تیر) ادامه یابد، میلیون‌ها نفر با گرسنگی حاد مواجه خواهند شد، خاطر نشان کرد: صندوق بین‌المللی پول هنوز بحران غذایی را پیش‌بینی نمی‌کند اما اگر روند تحویل کود به صنایع کشاورزی مختل شود، این اتفاق می‌تواند رخ دهد.



سه ضلعی توسعه ایران؛ تولید، فناوری و امنیت درون زا

محمد رضا واعظ

پروژه‌ساز توسعه

در سال‌هایی که اقتصاد ایران زیر فشار تحریم‌ها، تورم مزمن و رکود نسبی قرار داشت، بخشی از افکار عمومی مسیر رهبری را در تقابل با توسعه ارزیابی می‌کرد اما تحولات اخیر و بروز شوک‌های ژئوپلیتیکی، بار دیگر این پرسش را به میان آورده که آیا راهبرد «توسعه درون‌زا» نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بقا و پیشرفت ایران بوده است؟ اگر نگاهی به دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید ایران ببیند ازیم ممکن است اتفاقاتی که از سال ۱۳۹۰ به بعد افتاد-که مهم‌ترین اتفاق آن، شروع تحریم‌های ظالمانه علیه کشورمان بود-موجب شد در این سال‌ها خیلی‌ها مسیر ایشان را خلاف توسعه ارزیابی کنند و شواهدی مانند اینکه درآمد سرانه ایرانیان در ۱۴ سال گذشته تقریباً ثابت مانده و همچنین تورم‌های بالا با میانگین ۴۰ درصد موجب افزایش نابرابری شده، از نظر آنها موید این نظر باشد.

همچنین در این میان، توسعه فناوری همسایگان زیر چتر آمریکایی‌ها همواره این سیگنال را توسط رسانه‌های متعدد خارجی و داخلی به مردم ایران می‌داد که ایستادن رهبر شهید روه‌بروی نظم توسعه غربی باعث توقف کشور شده است اما اتفاقات یک‌ماهه گذشته به طور واضحی عیان کرد آنچه آیت‌الله خامنه‌ای دنبال می‌کرد، توسعه واقعی و درون‌زا ایران بود و ایشان بیش‌تر از هرکس دلبسته و به دنبال پیشرفت و توسعه ایران بود.

توسعه مصنوعی کشورهای حاشیه خلیج فارس

با شروع جنگ تحمیلی سوم علیه کشورمان، مشخص شد توسعه کشورهای حاشیه خلیج فارس- از برج‌های بلند تا شرکت‌های بزرگ تکنولوژی و برون‌سپاری امنیت- توسعه‌ای مصنوعی رقم زده که با کوچکترین اراده خارجی متحدین برای خروج یا شوک بیرونی توسط رقیبا و دشمنان، همه این هیمنه ظاهری یک‌شبه فرو خواهد ریخت و تجربه خود ماقبل از انقلاب اسلامی، این ارشاشان می‌دهد که با تغییرات سیاسی یک‌شبه چند صد هزار مهندس و تکنسین خارجی از کشور خارج شدند و طبق نظر متخصصان که می‌توان در یادداشتی دیگر به آن پرداخت، تجربه‌های صنعتی جنگ تحمیلی بود که پایه‌گذار بنیان‌های صنعتی نوین درون‌زا ایران شد.

امروز می‌توان به وضوح دید که عربستان سعودی، امارات، قطر و دیگر اعراب منطقه تا چه حد اختیار عمل نداشته و یک شوک بیرونی، آن‌ها را در آستانه از دست دادن همه دارایی‌های مادی و معنوی‌شان در این سال‌ها قرار داده است. رهبر شهید با دوراندیشی مثال‌زدنی بهتر از هرکسی در ایران متوجه این امر بود که بنیان‌های اصلی توسعه اقتصادی یعنی امنیت، تکنولوژی و توسعه صنعتی را باید برای توسعه واقعی درون‌زا بنا کرد. آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های رهبری خود به خصوص از میانه دهه ۸۰، همه عزم خود را در حمایت از تولید با محوریت بخش خصوصی قرار داد. اگر به تجربه کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مراجعه کنیم به اتفاق درخواهیما یافت که مهم‌ترین بخش از مسیر توسعه اقتصادی این کشورها از بریتانیا، آمریکا، آلمان، کره جنوبی تا چین و عمده کشورهای توسعه‌یافته، صنعتی شدن به معنا توانایی تولید کالاها یا کارخانه‌ای رقابت‌پذیر با مقیاس بالا بوده و تبدیل به قدرت اقتصادی شدن از این مسیری می‌گذرد. می‌توان به تقسیم‌بندی ثابت کرد در مقام اندیشه از قبل از انقلاب تا به امروز در میان سیاستمداران ایرانی هیچ‌کس اهمیت تولید درون‌زا بزرگ‌مقیاس در مسیر توسعه را به خوبی ایشان درک نکرده بود.

یُعد دیگر فهم اینشان از توسعه، اهمیت داشتن تکنولوژی‌های تک برای پیشرفت واقعی کشور بود؛ تکنولوژی‌هایی که موجب ورود به رینگ اول مسیر توسعه در جهان خواهد شد. اینکه امروز ایران در فناوری‌های متعددی مانند نانوفناوری، هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، موشکی، هوش مصنوعی و

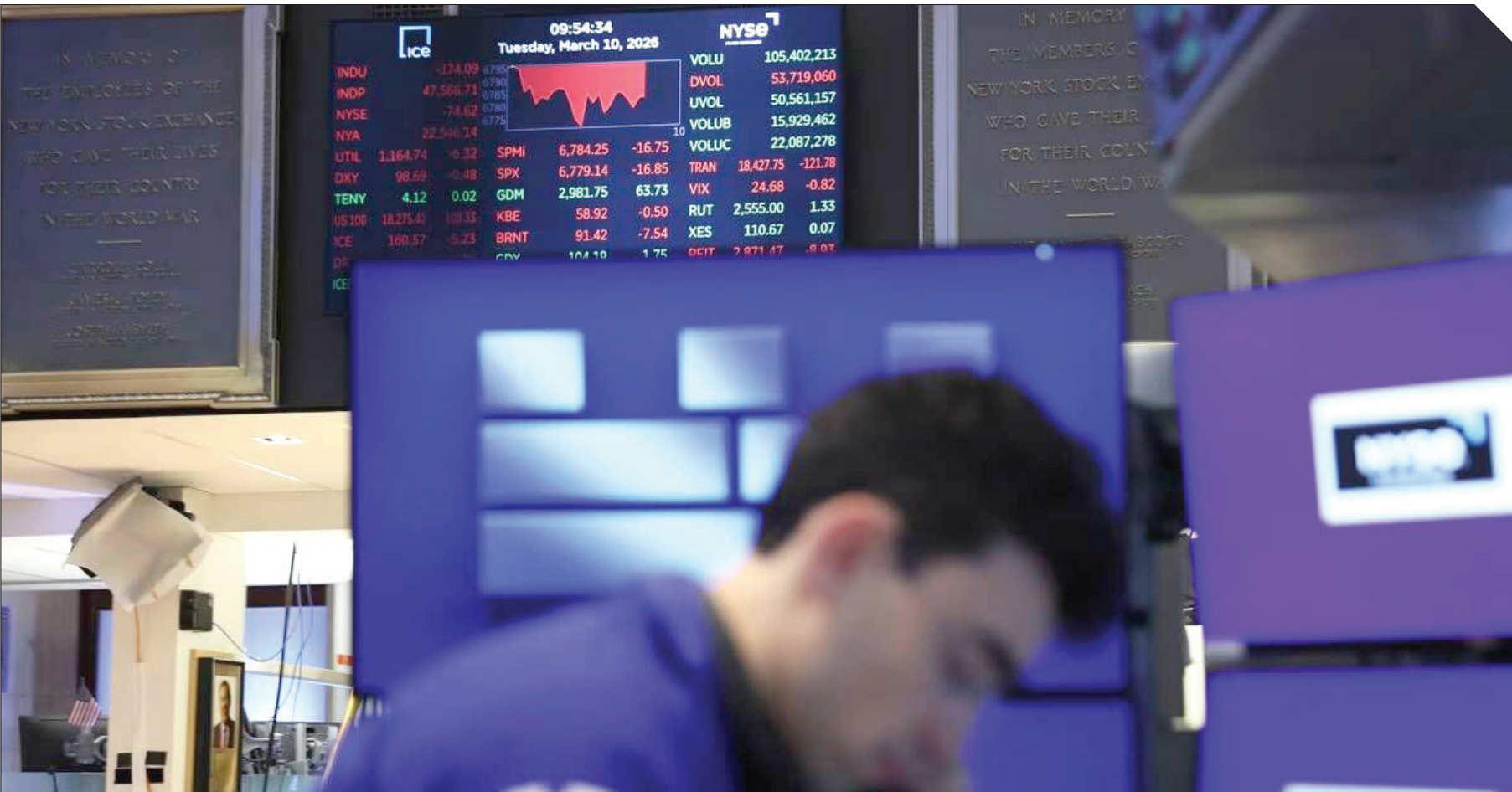
دیگر صنایع جزو کشورهای پیش‌رو در جهان بوده، با مطالعه دقیق می‌توان دید حمایت‌های مستقیم رهبر شهید انقلاب از توسعه درون‌زا همه این فناوری‌ها در ایران، بسیار در این پیشرفت‌ها حائز اهمیت بوده است.

فهم این که تولید‌های تک موجب ایجاد قدرت برای کشور خواهد شد، در حمایت‌های فکری و عملی ایشان از توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور به وضوح قابل مشاهده است و این یکی دیگر از پایه‌های اصلی توسعه است که توسط ایشان برای ایران به یادگار گذاشته شد.

مهم‌ترین رکن در پایه‌گذاری پایه‌های توسعه توسط آیت‌الله خامنه‌ای، فهم ایشان از موقعیت خاص ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک ایران و اینکه باید امنیت ایران را به طور مستقل پایه گذاشت، بود. آنچه امروز بیش‌تر از همیشه عیان شده، حرکت در مسیر ایران توسعه‌یافته بدون داشتن امنیت درون‌زا قطعاً توهمی

بیش نخواهد بود. این مسئله موضوعی بود که در زمان رهبری، بیش‌ترین انتقادات را به ایشان، طیف مهمی از داخل و خارج وارد می‌کردند که چرا ایشان نظام آمریکایی جهان را نمی‌پذیرد که بتوان به واسطه پذیرش این نظم امنیتی-سیاسی، از مواهب اقتصادی آن استفاده کرد. شاید اگر ایران یک کشور عادی بدون این مختصات خاص ژئوپولیتیک و تاریخی بود، این صحبت حتی درست بود ولی موقعیت خاص و جغرافیایی ایران و همچنین تاریخ غنی ایران، آن را در قامت مدعی یک قدرت منطقه‌ای که دارای ظرفیت‌های تبدیل به قدرت فرامنطقه‌ای در جهان است، تبدیل کرده و در این میان همسایگی با اسرائیل ناخودآگاه امکان حرکت ذیل نظم آمریکایی یعنی نظم مسلط بر جهان را از ایران در دوران رهبری آیت‌الله خامنه‌ای گرفت و به طبع آن، هزینه‌های زیادی بر کشور هم تحمیل کرد ولی آنچه مشخص و واضح است به دلیل‌های گفته شده این تنها راه موجود بوده که ثمره آن می‌تواند در آینده تبدیل ایران به یک قدرت اول منطقه باشد.

اذعان به این موضوع نیز لازمی است که رهبر شهید انقلاب چند بار در قالب مذاکرات سعدآباد، همکاری نظامی با آمریکایی‌ها در افغانستان (هر دو در ابتدای دهه ۸۰)، و برنامه و مذاکرات دو سال گذشته، امکان امتحان طرف غربی را چند بار ایجاد کردند ولی همه این‌ها شکست خورد و این تضاد استراتژیک با آمریکا برای حفظ منافع ملی ایران بوده که مانع انتقال ایران از عواید نظم آمریکایی در دوران تسلط آمریکایی‌ها بر جهان شد؛ امری که امروز در جنگ سوم تحمیلی بیش‌تر از همیشه آشکار است.



چرا اقتصاد آمریکا به تنگه هرمز وابسته است؟

گزارش

افزایش قیمت نفت و تداوم تا امنی در تنگه هرمز اقتصاد آمریکا را وارد رکودی می‌کند.

به گزارش سی ان ان ترامپ روز چهارشنبه گفت: ایالات متحده تقریباً هیچ نفتی از طریق تنگه هرمز وارد نمی‌کند و در آینده نیز هیچ نفتی وارد نخواهد کرد. ما به آن نیاز نداریم.

قبلاً هم به آن نیاز نداشته‌ایم و الآن هم نیاز نداریم.

سپس در روز یکشنبه در تغییر نگرشی عجیب گفت: تنگه را باز کنید، وگرنه در جهنم زندگی خواهید کرد، فقط تماشا کنید

چه چیزی باعث تغییر موضع ترامپ شد؟

یکی از این موارد قیمت نفت است. قیمت نفت آمریکا روز پنج‌شنبه، یک روز بعد از سخنرانی او، بیش از ۱۱ درصد افزایش یافت و به بالای ۱۱۱ دلار در هر بشکه رسید، بالاترین قیمت خود در چهار سال گذشته و یکی از بزرگ‌ترین جهش‌های یک‌روزه در تاریخ است. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت درست قبل از سخنرانی ترامپ حدود ۱۰۰ دلار و قبل از شروع جنگ کمتر از ۷۰ دلار در هر بشکه معامله می‌شد.

ترامپ درست می‌گوید که آمریکا وابستگی بسیار کمی به نفت خاورمیانه از طریق تنگه هرمز دارد آبراه پارکی که به طور معمول ۲۰ درصد نفت جهان از آن عبور می‌کند. آمریکا تنها حدود پانصد هزار بشکه از ۲۰ میلیون بشکه نفت خامی که روزانه مصرف می‌کند را از این تنگه تأمین می‌کند-مقداری بسیار ناچیز که می‌تواند آن را با نفت سایر نقاط جایگزین کند. اما تهدید جدید ترامپ با آن الفاظ چهارحرفی، حقیقت تلخ ماجرا را برجسته می‌کند: سلامت اقتصاد آمریکا خیلی بیشتر از آنچه ترامپ اعتراف کرده به تنگه هرمز وابسته است.

عرضه و تقاضا

ایالات متحده در طول پانزده سال گذشته کار چشمگیری برای بازسازی صنعت انرژی خود انجام داده است، به لطف ظهور شکافت هیدرولیکی و حفاری افقی، به ویژه در حوضه پریم تگزاس. آمریکا اکنون روزانه حدود ۲۲ میلیون بشکه نفت تولید می‌کند که دو برابر تولید عربستان در رتبه دوم و کمی بیشتر از میزانی است که آمریکا روزانه مصرف می‌کند.

آمریکا از نظر انرژی به طور کلی مستقل نیست

ایالات متحده همچنان روزانه بیش از ۶ میلیون بشکه نفت خام وارد می‌کند-حدود یک‌سوم مصرف خود. همچنین روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت صادر می‌کند.

دلیلش این است که همه نفتی‌ها کاربری یکسان ندارند؛ آمریکا نفت خام سبک و شیرین تولید می‌کند که برای ساخت بنزین عالی است اما برای سوخت گرمایشی، آسفالت و گازوئیل و سایر فرآورده‌های سنگین تر مناسب نیست. بنابراین آمریکا نیاز به واردات نفت از مکان‌هایی دارد که نفت خام سنگین و ترش تولید می‌کنند. از جمله ونزوئلا و خاورمیانه.

همچنین بازار نفت، جهانی است. وقتی عرضه در یک منطقه کاهش می‌یابد، بر همه مناطق تأثیر می‌گذارد. دن پیکرینگ، بنیانگذار و مدیر ارشد سرمایه‌گذاری در پیکرینگ انرژی پارتنرز، اشاره کرد که در زمان تنگن‌های عرضه مانند جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، واردکنندگان نفت برای هر بشکه موجود رقابت می‌کنند و قیمت را برای هرکسی که بیشتر خواهان یا نیازمند آن است بالا می‌برند.

بنابراین آمریکا در طول جنگ ایران به خوبی و احتمالاً همچنان با نفت تأمین خواهد شد. این مشکل بزرگی نیست، نگرانی این است که آمریکا از شوک قیمتی بازار جهانی نفت مصون نیست.

اقتصاد انرژی

قیمت‌های بالای انرژی پیامد آشکار جنگ آمریکا و بسته شدن مؤثر تنگه هرمز توسط ایران است. قیمت نفت خام روز دوشنبه پس از تهدید ترامپ برای از کار انداختن نیروگاه‌ها و پل‌های ایران، در حدود ۱۱۰ دلار در هر بشکه بالا باقی ماند.

و قیمت بنزین آمریکا به طور متوسط به ۴٫۱۲ دلار در هر گالون رسیده است.

این قیمت‌های بالای نفت و بنزین در حال آسیب زدن به اقتصاد آمریکا است. بسیاری از آمریکایی‌های با درآمد متوسط و پایین که قبلاً از قیمت‌های بالا خسته شده بودند، با هزینه‌های بالای پمپ بنزین دست و پنجه نرم می‌کنند و برخی مشاغل کوچک که قادر به افزایش بیشتر قیمت‌ها نیستند، در مورد استخدام کارکنان تصمیمات دشواری می‌گیرند.

نگرانی بزرگ‌تر زمانی پیش می‌آید که قیمت‌های بالا تقاضا برای بنزین و نفت را از بین ببرد. ممکن است در نتیجه قیمت‌ها کاهش یابند، اما اگر نفت و بنزین برای آمریکایی‌ها خیلی گران باشد که نتوانند ماشین‌های خود را پر کنند یا با هواپیما سفر کنند، این می‌تواند مشکلات قابل توجهی برای اقتصاد ایجاد کند.

تداوم جنگ و رکود اقتصادی در آمریکا

زمین زدن یک اقتصاد ۲۰ تریلیون دلاری آسان نیست. اگرچه هشت مورد از نه رکود اخیر با یک شوک قیمت نفت همراه بوده است، جنگ فقط کمی بیش از پنج هفته است و ممکن است نیاز باشد ماه‌ها بیشتر طول بکشد تا به اقتصاد آمریکا آسیب در سطح رکود وارد شود. تحلیلگران وال استریت تخمین می‌زنند هر ۱۰ دلار افزایش در هر بشکه نفت بین ۰٫۱ تا ۰٫۴ واحد درصد از تولید ناخالص داخلی می‌کاهد.

بنابراین افزایش ۴۰ دلاری فعلی نفت می‌تواند حدود یک واحد درصد از تولید ناخالص داخلی بکاهد- چیزی نیست که بتوان نادیده گرفت، اما به اندازه کافی برای ایجاد یک آسیب جدی نیست.

اما اگر قیمت‌ها به سرعت افزایش یابند، این وضعیت می‌تواند خیلی سریع بدتر شود. و نفت تنها عامل نیست؛ هر چیزی که با گامیون تحویل داده شود گران‌تر خواهد شد

زیرا قیمت گازوئیل در حال افزایش است. و تعدادی از واردات دیگر از طریق تنگه، از جمله آلومینیوم، هلیوم و کود، قیمت مصالح ساختمانی، ریزتراشه‌ها و مواد غذایی را افزایش خواهند داد.

افزایش تورم در آمریکا

انتظار می‌رود تورم سه سالانه مصرف‌کننده در ماه مارس به حدود ۳٫۵ درصد افزایش یابد و میانگین افزایش حقوق کارگران آمریکا در سال گذشته را به طور کامل از بین ببرد.

چرا ترامپ عصبانی است؟

جو پرورسوتلاس، اقتصاددان ارشد در آراسام یواس گفت: «اقتصاد آمریکا می‌تواند برای مدتی شوک ناشی از نفت بالای ۱۰۰ دلار در هر بشکه را جذب کند. اما اگر این به ۱۵۰ دلار در هر بشکه یا ۲۰۰ دلار در هر بشکه تبدیل شود، موضوع فرق می‌کند.» این می‌تواند عامل مهمی در نگرانی ترامپ نسبت به تنگه هرمز باشد.

ترامپ از زمان شروع جنگ در مورد تنگه چندگانه صحبت کرده است. دولت او تعهد به اسکورت دریایی نفتکش‌ها برای عبور از تنگه داده و بیمه کشتی‌هایی را که پوشش خود را از بیمه‌گذاران دریایی از دست داده‌اند تضمین کرده است. او همچنین گفته است که نفتکش‌ها باید شجاعت نشان دهند و در آبراه تردد کنند، و کشورهایی که بیشتر به نفت خاورمیانه متکی هستند باید خود به بازگشایی تنگه کمک کنند.

ترامپ روز سه‌شنبه در تروث سوشیال نوشت: «بروید نفت خودتان را بگیرید!»

تغییر لحن روزانه ترامپ باعث جهش یافت قیمت نفت شده است، اما نفت به طور کلی افزایش یافته است زیرا روشن‌تر می‌شود که ایران در تنگه برگ برنده را در دست دارد و خروج آمریکا از جنگ ممکن است این آبراه حیاتی را برای تردد نفتکش‌ها بازگشایی نکند.

معامله‌گران اواخر هفته گذشته نگران شدند که ترامپ نتوانسته است یک استراتژی خروج از جنگ آمریکا با ایران ارائه دهد و می‌ترسیدند تهدیدهای او برای تشدید درگیری بتواند آسیب بیشتری به عرضه نفت وارد کند.

از سوی دیگر، ایران گفته است که برای عبور ایمن از تنگه عوارض دریافت می‌کند. به گفته آنتونی یوش، استراتژیست جهانی انرژی در سی‌تی، حتی یک تنگه نیمه‌باز جهان را با کسری روزانه بین ۴٫۴ میلیون تا ۸ میلیون بشکه روبرو خواهد کرد.

و کنترل عبور ۲۰ درصد نفت جهان را در اختیار گرفته است. این موقعیت با صرف هزینه‌های بسیار سنگین-اعم از نظامی، اقتصادی و جانی- برای کشورمان به دست آمده است. اما نکته کلیدی آنکه این قدرت، بدون یک ارز پشتیبان در معاملات نفتی، نمی‌تواند به «قدرت اقتصادی پایدار» تبدیل شود. همان نقطه‌ای که پتروپولان می‌توانست نقش خود را ایفا کند، اما ظاهراً چین هنوز تمام‌قد در میدان حاضر نشده است.

جنگ کنونی نشان داد که کنترل فیزیکی بر ارز‌های انرژی (پتrodollar یا پتروپولان) دو بازی متفاوت هستند. از این منظر، تئوری پتروپولان در شرایط فعلی جنگ، بیش از آنکه یک راهکار عملیاتی باشد، یک سیگنال راهبردی به غرب بوده است.

یک فرصت عملی تبدیل شود. اگر در چارچوب توافقات احتمالی، تمامی پرداخت‌ها، عوارض، بیمه، حمل‌ونقل و قراردادهای انرژی بر مبنای سازوکارهای غیردلاری و ریال پایه تعریف شوند، آن توافق صرفاً یک سند سیاسی نخواهد بود، بلکه به یک سند اقتصادی-راهبردی تبدیل می‌شود. به زعم کارشناسان، پتروریال به عنوان یک سازوکار پولی و مالی مبتنی بر پشتوانه انرژی تعریف می‌شود که انعکاس آن در دارایی‌های راهبردی، به ویژه نفت و گاز است.



به «کنترل هرمز» در چارچوب قوانین نانوشته جنگ است. در این بین طراحی نظام مالی پسا جنگ نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

مدیریت ۲۰ درصد نفت جهان در اختیار ایران

واقعیت تلخ برای دشمنان و شیرین برای طرفداران ایران این است: ایران عملاً مدیریت

جنایت‌های جنگی و فشارهای بی‌سابقه، ترامپ قادر به باز کردن این تنگه برای آمریکا، اسرائیل و همپیمانانشان نیست. در بهترین سناریو برای غرب، برخی رسانه‌های غربی به نقل از مقامات اعلام کرده‌اند که ایران قصد دارد از کشورهای که همپیمان آمریکا و اسرائیل نیستند، نوعی عوارض امنیتی دریافت کند. این به معنای مشروعیت‌بخشی

ترامپ در آن تنگه هرمز، هیچ خروجی وجود ندارد

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که حتی با اعمال انواع

تنگه هرمز: میراثی با هزینه سنگین

از سوی دیگر در میانه جنگ رمضان، قدرت ایران و تاب‌آوری اقتصادی کشور در حفظ کنترل این آبراه استراتژیک کاملاً مشهود شده است. بسیاری از استراتژیست‌های دنیا به این نتیجه رسیده‌اند که